

۲- عطف به حروف

تعريف

هو تابع يُنسبُ إليه ما تُنسبُ إلى متبوعه و كلاهما مقصودان بتلك النسبة و يُستحق عطف التَّسْقِ أيضاً.

شرط آن

یکی از حروف عطف میان تابع و متبوع قرار بگیرد.

قام زید و عمرو
معطوف علیه
معطوف
در یک حکم اند.

قاعده کلی

هرجا که معطوف بتواند جای معطوف علیه بنشیند، عطف به وسیله حروف جایز است در غیر این صورت جایز نیست.

احکام مربوطه

اگر عطف بر ضمیر مرفوع متصل باشد، تاکید آن به ضمیر منفصل واجب است.

ضربتُ أنا و

مگر فاصلی باشد.

ضربتُ الیوم و

اگر عطف به ضمیر مجرور باشد، تکرار حرف جر در معطوف واجب است.

مَررتُ بک و یزید

عطف بر دو معمولی که دو عامل مختلف دارد جایز است به دو شرط:

۱- زمانی که معطوف علیه مجرور باشد و معطوف هم چنین باشد.

۲- مجرور بر مرفوع یا منصوب مقدم باشد.

فی التَّارِ زید و الحجرۃ عمرؤ

